



13 اپریل 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

## نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

(بخش چهل و دوم)

(ادامه) نقش انگلیسها در سقوط دوره امانی:

**3 -** داکتر عبدالرحمن زمانی در کتاب "بارنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس" درباره دست داشتن انگلیس در سقوط دوره امانی به نکات مهمی اشاره می کند که به ذکر مختصر بعضی از آنها در اینجا بسنده میشود. اومی نویسد: «استعمار انگلیس که همیشه یک افغانستان قوی و غازی امان الله خان را برای سلطه و منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی خود تهدید بزرگ می شمرد و از انواع توطئه ها و تلاش های ترور و کشتن هم نتیجه مطلوب شانرا بدست نیاورده بود، از فرصت استفاده نموده در صدد براندختن سلطنت وی برآمده از هیچ کوششی در پهلوی تشویق و تطمیع رهبران مذهبی و مخالفین دولت درین راه دریغ نورزید.» زمانی به استناد از مأخذ معتبر از جمله اسناد آرشیف هند برتانوی از اقدامات ذیل یاد میکند که انگلیسها برای براندازی سلطنت شاه امان الله به آن دست یازیدند: موجودیت لارنس جاسوس مشهور انگلیس به نام مستعار "ایرمن شاو"، کارشکنی های بی پرده انگلیسها تحت نام سیاست بیطرفی، پرواز طیارات انگلیسی و فروریختن اوراق تهدید آمیز هنگامیکه کابل تحت حمله مخالفان قرار داشت، نصب دستگاه تلگراف بیسیم در سفارت انگلیس بدون اجازه حکومت افغانستان، ملاقات سفیر انگلیس با حبیب الله کلکانی، تداوی حبیب الله کلکانی توسط انگلیسها، دسیسه سازی نمایندگان انگلیس در کابل، فعالیت عبدالواحد شینواری یا "مستر وید آسترالیائی" و جاسوسان دیگر انگلیس، اختفای اسناد مبنی بر کتمان دست داشتن انگلیس در توطئه های ضد نهضت امانی، پخش تبلیغات وسیع علیه امان الله خان و ملکه ثریا. (برای شرح مزید دیده شود - زمانی، داکتر عبدالرحمن: "بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس"، جلال آباد، 1391، صفحه 357 تا 374)

یکی از موضوعات مهمی که داکتر زمانی به شرح آن می پردازد، توطئه مسمی به "پنیاله" (Paniala) است و آن محلیست در حواشی دیره اسمعیل خان که در آنجا طرحی برای براندازی رژیم امانی رویدست گرفته شده بود. او بر طبق اسناد آرشیف هند برتانوی در شرح این توطئه می نویسد: «این طرح که در آن روحانیون پرنفوذ، سرداران و مامورین عالیرتبه دولتی سهیم بودند، کمک قبایل، همکاری چند نفر از صاحب منصبان ارشد اردو و چندتن از والیان وابسته به گروپ توطئه گران نیز در آن در نظر گرفته شده بود، هدف آن طرح کودتایی بود که در جریان سفر غازی امان الله خان به اروپا در نظر گرفته شده بود. درین کودتا باید محمولی خان وکیل سلطنت و اعضای فرق جدیدالتأسیس "استقلال و تجدد" دستگیر و اقتدار بدست طرفداران سپهسالار محمدنادر خان که در فرانسه بسر می برد، انتقال میکرد.» زمانی می افزاید: «اهمیت توطئه پنیاله به حدی بود که بی جی گولد شارژدافیر انگلیس در کابل با نزدیک شدن تاریخ عملیات که 8 مارچ 1928 تعیین شده بود، در تلگرام شماره 81 مورخ 28 فبروری خود از حکومت هند برتانوی خواهش کرد که نظربه اهمیت موضوع تمام جریانات مربوط به این توطئه به اطلاع لندن رسانیده شود. در راپور استخبارات بلوچستان از قول حاجی دوست محمد گفته شده است که این توطئه ملاها توسط فضل عمر حضرت صاحب شور بازار کابل سازمان

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

یافته است. ادعا میشود که وی در جمله اشخاص عمده دیگر با عبدالعزیز خان وزیر حربیه، شیر احمد خان رئیس شورا که فعلاً شاه امان الله را همراهی میکند، محمد عثمان خان سابق نایب الحکومه قندهار و یکی از حامیان ایوب خان در دوران زندگی اش، در مکاتبه بوده است. در صفحات 2-3 گفته میشود که هدف آنها برانداختن فرقه جدید بوده است (فرقه استقلال و تجدد که رئیس عمومی و بانی آن اعلیحضرت غازی امان الله خان بود). لسٹ افغانهای برجسته منتسب به این توطئه (مندرج صفحه 15) که قرار بود قبل از 8 مارچ آغاز شود، شامل شاه محمود خان نایب الحکومه جلال آباد، برادر نادرخان نیز بود.»

«در دوران سفر غازی امان الله خان سپهسالار محمد نادرخان و برادرانش دوبار به ملاقات غازی امان الله خان رفتند و در جلال آباد و نقاط دیگر افغانستان هم شایعاتی پخش شد که گویا سپهسالار محمد نادر خان با غازی امان الله خان آشتی نموده و بزودی به افغانستان برمیگردد.»

زمانی درباره ناکامی این توطئه می نویسد که: «توطئه کودتا با وصف تمام رازداری ها و کوشش های ستر و اخفای آن توسط حکومت افغانستان به موقع کشف شد. دست شاه محمودخان بصورت عاملاً از کار گرفته شد و به کابل اعزام گردید و تعدادی از اعضای شبکه از کاربرکنار و تعدادی هم تحت مراقبت قرار گرفتند. اینکه با کشف این توطئه بنا به هدایت غازی امان الله خان تا برگشتش هیچکسی زندانی و یا کشته نشد، مامورین انگلیسی غافل گیر شدند. آنها از نداشتن معلومات کافی درباره کشف کودتا به تشویش بودند. شارژدافیر انگلیس مقیم کابل طی تلگرام شماره 12 مورخ 5 مارچ 1928 به وزارت خارجه خود نوشت که از یکطرف آوازه های آشتی محمد نادرخان با شاه و بازگشتش به افغانستان حتی قبل از بازگشت شاه و از طرف دیگر موقوفی شاه محمودخان برادرش از نایب الحکومگی جلال آباد و بیکاری اش باعث نگرانی شدید شده است. لطفاً راجع به نادرخان هر معلوماتی را که دارید، بما لطف کنید. دفتر خارجه از لندن به سفارت خود در کابل نوشت که: "معلومات محرمانه رسیده به ما نشان میدهد که نادرخان با دوبرادرش امان الله را در روم ملاقات کرد؛ پذیرائی سرد سبب انزجار آنها شده، لذا با عجله به جنوب فرانسه برگشته و تاحال در آنجا میباشند." (مأخذ بالا، ... صفحه 361 - 362)

داکتر زمانی در رابطه با نقش انگلیسها در سقوط دوره امانی از حضور لارنس در میرانشاه [بعضی ها آنرا میرانشاه می نویسند] در وزیرستان شرح مشابهی دارد که قبلاً در کتاب سنزل نوید ذکر گردید. زمانی می افزاید: «حکومت انگلستان نمیتوانست از موجودیت لارنس در سرحدات افغانستان منکر شود، اما از دست داشتن او در رویدادهای افغانستان منکر شد... در اسناد آرشیف انگلستان سندی که دست داشتن لارنس را در توطئه ضد رژیم امانی ثابت سازد، مثل اسناد مستقیم دیگر دیده نشده است، اما اسناد متعدد موجود اند که دروغ و کتمان ادعاهای انگلیس را ثابت می سازند.» زمانی ضمن آنکه به موجودیت بعضی اسناد در این مورد اشاره میکند، می نویسد: «قابل یادآوریست که حتی نبودن سند هم نمیتواند دلیل نبودن حقیقت یک موضوع باشد. اولاً تمام اسناد محرمانه آرشیف انگلیس بدسترس محققین قرار داده نشده است و در اسناد موجود حتی نامهای افراد و خانواده های متعدد حذف شده اند، زیرا افشای آن یا منافع مشترک شانرا با خطر مواجه ساخته یا خطر رسوائی سیاسی را به بار آورده و یا مانع استفاده آینده از آنها میشود. ثانیاً در آرشیف مذکور اسناد متعددی وجود دارد که نشان دهنده تلاشهای جعل سازی در اسناد و جلوگیری از افشای حقایق را نشان میدهد.» (برای شرح مزید دیده شود: مأخذ فوق...، صفحه 362 - 367)

داکتر زمانی درباره پالیسی گویا بیطرفی یا عدم مداخله انگلیسها در امور افغانستان در آستانه سقوط رژیم امانی و شورش حبیب الله کلکانی می نویسد: «انگلیسها مدعی بودند که خواستار بی ثباتی و برگشتن نا آرامی در افغانستان نبوده و به سیاست عدم مداخله در امور افغانستان پابند میباشند. انگلیسها ادعا داشتند که تنها از بیرون خطوط میدان بازی ناظر اوضاع بوده میخواهند مطمئن باشند که اتحاد شوروی نیز عین پالیسی را تعقیب نماید و می گفتند که آماده هستند همان رهبری را برسمیت بشناسند که قابلیت و استعداد مهار کردن یک افغانستان متحد و نیرومند و مستقل را داشته باشد. انگلیسها با این کار در واقع شناسائی خود را از رژیم امانی سلب و وی را که پادشاه افغانستان بود، با مدعیان دیگر تاج و تخت مثل علی احمد خان، سردار محمد عمر خان پسر سردار ایوب خان، حبیب الله کلکانی، غوث الدین خان و محمد نادر خان در یک سطح قرار دادند»

زمانی می افزاید: «به استناد اسناد محرمانه استخبارات انگلیس که فعلاً از محرمانیت برآمده اند، به اثبات میرسد که در جمله مدعیان تاج و تخت افغانستان، انگلیسها نادر خان را مدنظر داشته و ترجیح میدادند. اما آنها درک نموده بودند که اگر بصورت آشکار از نادر خان حمایت کنند، این حمایت نسبت نفرت افغانها از استعمار انگلیس، چانس بقدرت رسیدن نادر خان را از بین خواهد برد. همچنان سفارش ادعای نقش بیطرفی بهانه خوبی بود برای جلوگیری از مداخله اتحاد شوروی و بازی دادن مدعیان دیگر قدرت مثل علی احمد خان، غوث الدین خان و حبیب الله کلکانی.» (مأخذ بالا...، صفحه 380)

اگرچه سند رسمی مبنی بر مداخلات انگلیسها در آرشیف آنها قابل دسترسی نیست، اما شواهد و قراین واضح دال بر واقعیت دست داشتن آنها در سقوط دوره امانی موجود است. داکتر زمانی برای ثبوت آن به شرح نکاتی برمبنای اسناد آرشیف محرمانه انگلستان و دیگر مأخذ معتبر می پردازد که مختصر آن چنین است: - رهائی حبیب الله بسیار زودتر از موعد حبس او از زندان پشاور و برگشت او به کابل و اطراف آن و آغاز حملات او در پغمان و کوه دامن؛ - جلوگیری از انتقال اسلحه و مهماتی که شاه امان الله طی سفر خود در اروپا خریداری کرده و در آنوقت به بندر کراچی رسیده بود و آنها در موقعیکه شاه به آن نیاز مبرم داشت؛ - از آنجائیکه حملات قوای سقوی از حواشی سفارت برتانیه در کابل بطرف شهر صورت میگرفت و قوای دولتی ناگزیر بخاطر جلوگیری از وارد شدن صدمه به سفارت از حملات تقیل توپخانه اجتناب کردند، وزارت خارجه افغانستان از سفارت مذکور خواست تا برای حفظ جان و مصونیت اعضای آن، مرکز سفارت را به "هوتل ولی" که در جوار ارگ موقعیت داشت، انتقال دهد، اما سفیر انگلیس این پیشنهاد را قبول نکرد و با این وسیله عملیات قوای دولتی را علیه شورشیها با ضعف مواجه ساخت؛ - اسناد موجود در آرشیف هند نشان میدهد که سفیر انگلیس در دوران اغتشاش دوبار با حبیب الله کلکانی در سفارت انگلستان که خارج از شهر و در زیر تپه باغ بالا موقعیت داشت، ملاقات نموده است؛ - عجله در انتقال شاه عنایت الله و خانواده او از کابل بصوب پشاور و از آنجا به چمن بوسیله طیاره های انگلیسی بر طبق توافق بین شاه عنایت الله و حبیب الله با وساطت حضرت محمد صادق مجددی تا هر چه زودتر میدان را برای سلطه حبیب الله در کابل خالی سازد (چنانچه گزارش مفصل آن قبلاً ذکر شد)؛ - همچنان نصب یک دستگاه تلگرام بیسم در داخل سفارت انگلیس تا تبادل اطلاعات مستقیماً بوسیله اعضای سفارت با خارج صورت گیرد، در حالیکه قبلاً این اطلاعات از طریق دستگاه تلگرافی دولت افغانستان صورت میگرفت؛ - انگلیسها به مقامات ایالتی بلوچستان، پنجاب و ایالت سرحدی شمال غربی محرمانه هدایت دادند تا تلگرام های ژورنالیست ها و مطبوعات راجع به اخبار و اوضاع افغانستان را سانسور و از نشرات خلاف پالیسی برتانیه جلوگیری کنند؛ - به اساس پالیسی سختگیرانه انگلیس در مخفی نگهداشتن کمک های شان به مخالفین

رژیم امانی، آنها از دادن اسلحه بطور مستقیم خودداری کرده، کوشیدند تا اسلحه را به قیمت بسیار ارزان و ناچیز در کوتل کوهات به اختیار مخالفان قرار دهند. (برای شرح مزید درهریک از موارد فوق که مبتنی براسنادآرشیف انگلستان و مأخذ معتبردیگرمیباشند، دیده شود: مأخذ بالا...ازصفحه 381 تا 400)

**4 - لودویک آدامک درکتاب "روابط خارجی افغانستان درنیمه اول قرن بیست" درمورد نقش انگلیس ها در سقوط دوره امانی و رویکار آوردن حبیب الله کلکانی بقدرت به شرح نکاتی می پردازد که در اینجا با اختصار تذکار می یابد. او می نویسد: «پدیده های هولناک درکابل شک و تردید را به اوج کمال آن رسانید که برتانیای در سقوط امان الله و گماشتن حبیب الله بر سریرسلطنت افغانستان دست قوی داشت. حکومت برتانیای اعلان بیطرفی و عدم مداخله خود را درامورد داخلی افغانستان اعلام داشت، مگر باهمه مهارتیکه برتانیای داشت، میخواست تا جلو افواه تحریکات را از خلع امان الله و ترک دادن کشور بگیرد، موفق نشد و آنهمه مساعی او شک و تردید را رفع نکرد. برتانیای سعی کرد بصورت بیطرفانه در شناخت پادشاه افغانستان خواه امان الله یا عنایت الله و یا این مبارز تاجک باشد عمل کند، اما باز هم به حیث هواخواه بچه سقاو شناخته شد. اگرچه هیچگونه شواهدی در دست نبود که پالیسی و روش برتانیای را بصورت واضح و خشونت آمیز بر علیه امان الله وانمود سازد و نه در دفاتر و اوراق برتانیای و هند چنان سندی به نظر میخورد، با آنهم برتانوی ها و مخصوصاً هند برتانوی از همچو سرنوشت امان الله بصورت غیرشعوری خوش و مسرور بودند.»**

آدامک می افزاید: «بادرنظرداشت این حقیقت که چندماه قبل امان الله مهمان عزیز و گرامی پادشاه برتانیای بود و تحایفی که برتانیای به او اعطا کرد و در ارسال سلاحها به او کمک و معاونت نمود و آن سلاحها در آنوقت به هند برای زمامدار سراقندار افغان رسیده بود. مگر اختیار کردن یک روش بسیار ضیق بیطرفی برتانیای در همچو یک فرصت حساس و نازک و محروم ساختن امان الله از گرفتن کمکهای لازم و به موقع دال بر ضعیف ساختن امان الله میباشد و بلکه قرار معلوم از ارسال آن عمداً ممانعت شد تا امان الله از آن در جنگ محافظت تاج و تختش استفاده میکرد و برای وی کمک می نمود، لهذا او از آنجهت ضعیف ساخته شد.»

آدامک می افزاید: «پالیسی برتانیای توسط دفتر امور خارجه آن در لندن چنان تعریف شده است که آنها فقط "حکومت قوی و سراقندار" را کمک میکنند و در این راستا لندن به همفیز اطلاع داد که: "حکومت اعلیحضرت پادشاه برتانیای تمایل ندارد که در مسایل داخلی افغانستان یکی از طرفین را کمک نماید، بلکه آنها را در رقابت و ادعای شان برای رسیدن بقدرت در کشور بحال خود بگذارد. فاتح آرزو خواهدداشت تا حکومت مرکزی خود را تقویت بخشد و در سراسر کشور نفوذ خود را پخش نماید و در آن فرصت حکومت ما تمایل دوستانه خود را جهت تقویه مردم افغانستان به آن ارائه خواهد داشت و چنان کمک و معاونتی به آن یکی داده خواهد شد که کشور خود را سر از نو تعمیر کند و انکشاف دهد.» آدامک در این ارتباط تصریح میکند که: «اعلام بیطرفی و عدم مداخله در جنگ داخلی افغانستان یک چیز است، اما تطبیق این پالیسی و روش امر چیز دیگر است.»

اینکه چرا برتانیای ظاهراً موضوع بیطرفی و عدم مداخله در امور داخلی افغانستان را مطرح کرد، آدامک آنرا از دو نقطه نظر بیان میکند و می نویسد: «ملحوظات بس مهمی که در ترکیب این پالیسی برتانیای نهفته بود، عکس العمل هایی بود که شاید از دو منبع به ظهور میرسید: اول عکس العمل قبایل آزاد که به حیث یک کمربند افغانستان را حلقه کرده اند و مسلمانان هند، دوم عکس العمل روسیه

شوروی که شاید آنها از مداخله برتانیای مشکوک می شدند و در پاسخ نقش فعال تری را درین جنگ بازی میکردند. اشخاص رسمی برتانیای موافقه داشتند که نه قبایل سرحد آزادهند و نه شوروی درین جنگ اشتغال و اشتراک نموده اند و پالیسی برتانیای هم به آن اصرار ورزیده که کاری نکند تا باعث تحریک و تشویق آنها در اشتراک به این جنگ شود. بنابراین بهتر دانستند تا بیغرض [بیطرف] باشند.»

آدامک مثل دیگر نویسندگان به این موضوع اشاره میکند که: «امان الله در اثنای سفر اروپایی خود به یک پیمانانه زیاد اسلحه و تجهیزات حربی خریداری و ارسال کرده بود و همچنان وعده های زیاد سلاحهای لازمه و تجهیزات جنگی و دفاعی برایش داده شده بود که یک قسمت زیاد آن به هند رسیده معطل شده بود. در حالیکه به آن حکومت امانی ضرورت مبرم و عاجل داشت، مگر از آنجا که امان الله تسلیم شد [استعفی داد] برتانیای تا آنوقت حکومت جدید افغانستان را برسمیت نشناخته بود، به ولایت دیگری جز کابل انتقال داده نشد. برتانیای ترک کردن حکومت امان الله و بر تخت نشستن عنایت الله را میدانست، برتانیای مانند سایر قدرتهای دیگر در کابل سفارت داشت و متکی به اراده نیک حبیب الله در حفاظت آن بود تا نگذارد که جنگجویان به آن ضرر و آسیب برسانند. به این ملحوظ سلاحهای را که امان الله خریداری کرد و در بندر کراچی معطل ماند و حکومت افغانستان به آن دسترسی نداشت. برتانیای همچنان صدور مواد سوخت طیاره را ممنوع قرار داده بود که برای قوای هوایی امان الله ضرورت عاجل بود.»

علاوئاً آدامک درباره موجودیت لارنس در وزیرستان مطالبی نوشته و بخصوص از یک نامه لارنس که عنوانی "ادوارد مارش" به تاریخ 10 جون 1927 (14 جوزا 1306) نوشته بود، تذکار میدهد که او حتی در کابل نیز بوده است. همچنان آدامک از سرو صدای هایی گزارش میدهد که در مطبوعات بین المللی در مورد موجودیت لارنس و فعالیت های او در ارتباط با نا آرامی ها و جنگ در افغانستان در انوقت به نشر رسیده بودند و در عین زمان از فعالیت تبلیغاتی علیه رژیم امانی یادآور میشود که از طرف مخالفین براه افتاده و در ذهنیت سازی علیه امان الله خان نقش داشتند، از جمله انتشار و توزیع عکس های ملکه ثریا که در لباس شب نشینی به چاپ رسیده بود و بیشتر توسط کوچیهای غلزائی به داخل افغانستان برده می شد تا تعصبات مذهبی مردم را بر علیه امان الله خان برانگیزند و نیز اخبار مربوط به مخالفت حضرات شوربازار با امان الله خان را که در مطبوعات هند انتشار می یافت، بیان میدارد. از شرح مزید هریک از موضوعات فوق به این دلیل صرف نظر میشود که در مآخذ قبلی نیز گزارش یافته و تذکار مجدد آن باعث طوالت کلام میگردد. (برای شرح مزید دیده شود - آدامک، لودویک: "روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست"، مترجم: پوهاند محمدافضل صاحبزاده، پشاور، چاپ دوم 1377، صفحه 216 - 223)

(ادامه دارد)